

**نگرشی کوتاه بر پروژه
«مرمت و باز زنده سازی و طراحی مجموعه
فرهنگی آرامگاه و مزار شیخ علاءالدوله سمنانی»**

مریم دربیگی نامقی *

آن چنان با شکوه او را شناخته‌اند. بی شک فرزندگان در راهند تا با راز و مزار بیامیزند و در پس این آمیزش سراسر شور، بانگ یاری او بردارند و نه غوغای همراهی او... شوریدگانی در خور احترام با او هم نفس شده‌اند و سرسپردگانی با او هم‌کلام. اگر چه کم نیستند شاگردانی که به حق جان به مهر او گره زدند و هر یک گوهری نایاب شدند. اما بسیارند مدعیانی که هرگز نه راهی به دهی بردند و نه روزنی به قلب او.

با نهایت احترام در برابر آنان که به عشق او دل سپرده‌اند و با خشوع و تواضع در پی ادراک این عارف یگانه «شیخ علاءالدوله سمنانی» برآمده‌اند، تعظیم می‌کنم.

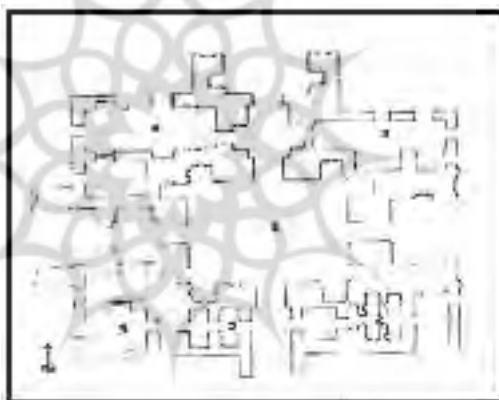
و اما سخنی مهم‌تر:

در محفلی این همه نورانی گردهم آمده‌ایم و از عارفی یاد کرده و می‌کنیم که شناخت و شوکت او بر کسی پوشیده نیست. از صاحب‌خانه بسیار گفته‌ایم و اما از خانه غافل شده‌ایم.

سرایي در هنر معماری و از سر تحقیق و با مدارک و شواهد بسیار، کم نظیر اگر نه، بی نظیر و بی همتا؛ بنایی که در ۸۰۰ سال پیش به دستور "الجایتو" (سلطان محمد خدابنده) به عنوان آرامگاهی برای وزیر "عمادالدین عبدالوهاب" در کنار روستای "صوفی آباد" بنا نهاده شد و "شیخ علاءالدوله سمنانی" خانقاهی به آن افزود تا مآمن عشق و شوریدگی شود.

ساختمان اصلی آرامگاه شامل دو قسمت است: قسمت اول، مربعی شکل (به ضلع ۱۰۰ متر) که گنبد عظیم را نگاه می داشته است و چهار ورودی به چهار طرف دارد. در چهار طرف این محوطه^(۱) مربعی شکل، راهروها و اتاق‌های متعدد ساخته شده است. (نمازخانه، اتاق مدرس، کتابخانه، معتکف‌گاه‌ها، چله‌خانه‌ها^(۲)).

- | |
|-------------------------|
| ۱) محوطه مربع شکل |
| ۲) راهروهای چله‌خانه‌ها |
| ۳) نمازخانه |
| ۴) کتابخانه |
| ۵) اتاق مدرس |



پلان آرامگاه (برداشت شده در سال ۱۳۷۴ توسط سازمان میراث فرهنگی)

۱- مزار "عمادالدین عبدالوهاب" در داخل این بنا قرار داشته است که در حال حاضر اثری از آن مشهود نیست.

۲- دخمه‌هایی در دو طرف راهروهای جنوبی آرامگاه وجود دارد که ارتفاع بسیار کم و طول نسبتاً بلندی دارد که به احتمال قریب به یقین، چله‌خانه‌هایی بودند که به صورت نشسته مورد استفاده قرار می‌گرفته است و محل‌هایی برای گذاشتن شمع داشته است که این نمونه در بناهای موجود تاریخ معماری در سراسر کشور بی نظیر است.



ایوان شرقی و مزار شیخ

در ضلع شرقی آرامگاه ایوان رفیع و بلندی قرار داشته است که رو به شرق (محل طلوع) واقع است. دهنة ایوان ده متر است و دارای طاق بزرگی بوده که فرو ریخته است.

مزار شیخ در بیرون همین ایوان شرقی (در راستای شرقی - غربی) واقع است و مشتمل بر ۲ سنگ قبر (یکی قائم و دیگری خوابیده) بوده که سنگ قائم آن در حال حاضر از بین رفته است و اثری از آن دیده نمی شود.



نمای جنوبی خانقاه



عکس دخمه ها

و اما شاید مهم ترین مطلب در مورد ساختمان آرامگاه گنبد عظیم آن باشد از آن جایی که در آثار و نوشته های مکتوب گذشتگان تأکید بر بی نظیر بودن گنبد این آرامگاه^(۱) بسیار دیده شده است، اولین قدم در مرمت و باز زنده سازی این بنا، یافتن شکل و قوس صحیح گنبد اولیه و سپس طراحی مجدد آن بود. و این امر به واسطه جمع آوری مطالب و مدارک و مستندات (مکتوبات، عکس و اسلاید و تصاویر و...) مربوط به بنا و تمام بناهای معاصر و هم دوره و هم سبک (از ۱۰۰ سال قبل تا ۱۰۰ سال پس از احداث بنا) و مقایسه آنها ممکن گردید.

آن زمان که این مقوله به پایان رسید و به گزینه صحیح و دقیق دست پیدا کردیم و تصویر واقعی گنبد را پیش روی خود دیدیم، با بیانی مواجه شدیم که به جرأت می توان آن را پس از گنبد سلطانیه (زنجان) بزرگ ترین و شکیل ترین بنای سبک آذری (دوره ایلخانی) دانست، که متأسفانه در گستره معماری و فرهنگ به دست فراموشی سپرده شده است.

سپس به طراحی محدوده اطراف این بقعه عظیم همت گماردیم که قابلیت تبدیل شدن به محیط فضل و آدابی در خور توجه را دارد که دیرزمانی است در جستجوی آن بوده و هستیم.

در منظر دیگر بسیار کوشیدیم که همچون مجموعه های آرامگاهی، دیگر مانند: آرامگاه شیخ صفی الدین اردبیلی و یا آرامگاه شاه نعمت الله ولی (در کرمان) یا "قدمگاه نیشابور" "هفت وادی عرفان" را در گذر از فضاهاى مختلف تا مزار شیخ ببینیم. و عجب! این عارف بزرگ با آن پشتوانه علم و عرفان که تمام آبروی کویر است، از تمامی بندها و قیودات ظاهری گذشته و چنان با عالم اعلی پیوند

۱- در ارتفاع و نوع قوس و ترکیب حجم.

خورده است که مانند تعدادی از هم‌مسلمان خویش می‌خواهد که مزارش در معرض دست‌رسی عناصر طبیعت باشد. و این‌گونه بود که به ناچار دست به دامن "آب و آتش و خاک و باد" گشتیم و در این بستر کویر، طلوع و غروب را سامان‌دهندهٔ مجموعه قرار دادیم.



طراحی مجدد کنید و ایران‌ها



عکس خانقاه شیخ علاء‌الدوله

مردانیت نموده توسط آبرو آرمز در ۸۰ سال قبل

اکنون به همین مختصر بسنده می‌کنیم که پرداختن به مسائلی از این دست زمانی مناسب و صبر و حوصله‌ای افزون‌تر می‌طلبد.

در پایان در آرزوی آن روز خجسته باشیم که به همت میراث فرهنگی (و حمایت اداره کل ارشاد) این اثر ماندگار تاریخی با تلاش و عشق همچون میراثی درخشان به آیندگان سپرده شود که بی‌گمان آینده بر حال ما داوری خواهد کرد.